

تأسیس دادگاه بین‌المللی محیط زیست و مشکلات آن

محمود جلالی*

استادیار حقوق دانشکده علوم اداری اقتصاد دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱/۱۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۳/۲۲)

چکیده:

شکل‌گیری و گسترش بحران‌های جهانی زیست محیطی موجب شده تا توجه هر چه بیشتری به حفاظت از محیط زیست جهانی معطوف شود. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که باید در این خصوص انجام شود، ایجاد مرجعی است که بتواند در سطح بین‌المللی به عنوان ابزاری قدرتمند در راه حفظ و حراست از محیط زیست فعالیت و به اختلافات ناشی از آن رسیدگی کند و ضمانت اجرای موثر برای رعایت قوانین زیست محیطی باشد. با توجه به محدودیت‌هایی چون فقدان تخصص لازم و روند طولانی رسیدگی، دادگاه‌ها و مراجع بین‌المللی، منطقه‌ای و فراملی و حتی دادگاه‌های ملی موجود نمی‌توانند به طور مؤثر و کارآمد در زمینه محیط زیست عمل نمایند. از سوی دیگر از آنجا که حق برخورداری از محیط زیست سالم و پاک از بنیادی‌ترین حقوق بشری است و جایگاهی عظیم در زندگی انسان و تمدن آن دارد، قوانین بین‌المللی برای حفظ این عنصر حیاتی پاسخگو نیست. در نتیجه، جامعه جهانی نیازمند ایجاد مرجعی مستقل است تا با تفاسیر قضایی خود هم در تدوین و ایجاد حقوق مربوط به محیط زیست و هم در رسیدگی و حل و فصل اختلافات زیست محیطی فعالیت نماید. البته رفع مشکلات موجود در این مسیر نیاز به همکاری بین‌المللی دارد.

واژگان کلیدی:

حقوق بین‌الملل محیط زیست- دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی- حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات.

۱. مقدمه

امروزه اکوسیستم‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی در وضعیت وخیم آلودگی قرار دارند و این نشانگر ورود خسارات غیرقابل جبران بر محیط زیست است. دریای سیاه آنچنان از آبریان تهی شده که باید آن را دریای مرده نامید. در دریای مدیترانه با منابع سرشار از ماهیان و سایر آبریان علائم نگران کننده از خطرات زیست محیطی به چشم می‌خورد. همچنین در دریاچه خزر بدلیل آلودگی بیش از حد، تبخیر طبیعی آب صورت نمی‌گیرد. این امر حیات بسیاری از جانداران خصوصاً استروژن، منبع خاویار را با خطر نابودی روبرو ساخته است. ایران علاوه بر آلودگی کشنده هوای تهران، می‌توان به پارک ملی گلستان از قدیمی‌ترین پارک‌های ملی جهان اشاره کرد که در سال ۱۹۷۷ به عنوان ذخیره گاه زیست جهانی انتخاب شد ولی بدلیل ناکافی بودن حمایت‌های نهادهای داخلی و بین‌المللی بارها دچار حریق شد اثراتی فاجعه‌آمیز از قبیل افزایش خطر فرسایش خاک بدلیل از بین رفتن پوشش گیاهی، انقراض گونه‌های خاص حیات وحش و تغییر الگوی پراکندگی آنان، کاهش مواد آلی خاک و در نهایت کاهش حجم آب سفره‌های زیرزمینی و ساده شدن چرخه مواد غذایی و آسیب پذیری را در پی داشته است. همچنین اثرات غیر قابل جبرانی بر فرایندهای کوتاه و بلند مدت اکولوژیک آن وارد آمده است (درویان، ۱۳۸۵، شماره ۱۷۹۵).

رویه قضایی محاکم بین‌المللی تصدیق دارد که جلوگیری از تخریب محیط زیست یکی از قواعد قابل توجه حقوق بین‌الملل عرفی است. در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست قدیمی‌ترین پرونده مربوط به پرونده داوری «ترایل اسملتر» بین آمریکا و کانادا در ۱۹۲۸ و ۱۶ آوریل ۱۹۳۸ است (Trail Smelter, 5 January 2009). در این پرونده «اصل مسئولیت بین‌المللی» نسبت به فعالیت‌های برون مرزی ناشی از آلودگی هوا که به خطرات جدی زیست محیطی منجر می‌شود به رسمیت شناخته شده است (Communication. No. 67/1980, and No. 429/1990). در حال حاضر بخصوص کشورهای در حال توسعه، از سازوکارهای قانونی لازم‌الاجرا برای مقابله با فجایع زیست محیطی فرامرزی ناشی از عملکرد خود برخوردار نیستند. همچنین با توجه به کاربرد محدود توسل به دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر مراجع حل و فصل اختلافات از جمله داوری اجباری (Brinie, 1995, pp. 179-186) و نیز موفقیت محدود در زمینه اجرای الزامات و قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست در مقابل دولت‌های متخلف در سال‌های اخیر به شکل‌گیری نظرات و انتقاداتی در خصوص ایجاد مرجعی بین‌المللی در زمینه حقوق محیط زیست که قادر به اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا علیه دولت‌های ناقض و ملتزم کردن آنها به اجرای قوانین زیست محیطی باشد، منجر شده است (Roy, 2008). چنین دادگاهی که می‌تواند بر اساس انعقاد معاهده‌ای بین‌المللی توسط دولت‌ها ایجاد شود، نیازمند متقاعد

کردن زمامداران سیاسی دولت‌ها نسبت به دو نکته کلیدی است: نکته اول اینکه باید آنان را قانع کرد که دادگاه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی موجود قادر به حل اختلافات بین‌المللی محیط زیست نیستند. نکته دوم اینکه نه تنها دادگاه‌های موجود برای حل این اختلافات کافی نیستند بلکه نمی‌توانند عملکردی مؤثر و مورد قبول دولت‌ها داشته باشند. این در حالی است که ایجاد دادگاه بین‌المللی جدید در کنار دادگاه‌های فعلی می‌تواند کمبودهای موجود را جبران نماید. در این مقاله هر یک از این نکات به ترتیب مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا مراجع قضایی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی موجود، مناسب، کافی و کارآمد هستند یا خیر؟ در پاسخ لازم است برخی از مراجع فعلی که حل و فصل اختلافات زیست محیطی را در جهان بر عهده داشته و از درجه اهمیت بالاتر برخوردارند، مورد بررسی قرار گیرند.

۲. دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری (International Court of Justice)، رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد که مقر آن در شهر لاهه هلند قرار دارد، برجسته‌ترین نهاد قضایی جهانی است که قادر به بررسی پرونده‌های مربوط به حقوق بین‌الملل محیط زیست است (McCallion, 1999-2000). پرونده معروف به «زمین‌های فسفاتی خاص در نارو» (ICJ Rep. 1992, 240) که در سال ۱۹۸۹ علیه استرالیا بدلیل نقض تعهدات دولت قیم (استرالیا) قبل از استقلال نارو مطرح شد و در ارتباط با فرسودگی و از بین رفتن منابع طبیعی نارو بود، مثالی بارز از دعوای زیست محیطی است که برای حل و فصل، نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح گردید (Reyes, 1996, 1). در ۹ سپتامبر ۱۹۹۳ طرفین مشترکاً به دیوان اطلاع دادند که دعوی خود را حل و فصل کرده و لذا حکم نهایی در این پرونده از طرف دیوان صادر نگردید (<http://www.icj-> [cij.org/docket/files/80/10315.pdf](http://www.cij.org/docket/files/80/10315.pdf)).

همچنین یکی از مهم‌ترین تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص حقوق بین‌الملل محیط زیست مربوط به سال ۱۹۹۷ در قضیه گابسیکو-ناجیماروس بین مجارستان و اسلواکی است (ICJ Rep. 1997). در این پرونده مجارستان سعی داشت دیوان را متقاعد نماید که این کشور در خصوص وجود تأثیرات سوء زیست محیطی ناشی از اجرای پروژه مورد نظر، با تشخیص خود می‌توانسته تعهداتش مبنی بر همکاری با اسلواکی به منظور ساخت سد‌های معین در مسیر رودخانه دانوب را مطابق معاهده ۱۹۹۷ اجرا ننماید. در این پرونده دادگاه رأی داد که «در زمان تکمیل پروژه، اجرای معاهده مشترک ۱۹۹۷ ضرورت داشته است» و هنجارهای تازه به وجود آمده در حقوق محیط زیست با اجرای آن معاهده تناقضی ندارد.

(Ibid at 63) و طرفین بر اساس توافق نامه‌ای تازه باید قواعد زیست محیطی جدید و قواعد اجرایی معاهده ۱۹۹۷ را با یکدیگر ترکیب و به صورت واحد و هماهنگ به اجرا در می‌آوردند (Ibid at 82-84).

علاوه بر پرونده‌های «ترافعی» (ماده ۳۴ اساسنامه دیوان)، زمانی که ارگان‌های ذی‌صلاح سازمان ملل متحد از دیوان درخواست «رأی مشورتی» کنند دیوان می‌تواند رأی مشورتی نیز صادر نماید. در همین راستا، زمانی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶ تقاضای نظر مشورتی در باب مشروعیت و قانونی بودن استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را نمود، دیوان با مسئله‌ای جدید در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست روبرو گردید (ICJ Rep, 1996). در آن پرونده تعدادی از دولت‌ها بر سر این مسئله اختلاف داشتند که آیا اصول مرتبط با حراست و حفاظت از محیط زیست، استفاده از سلاح هسته‌ای توسط دولت‌ها را غیرقانونی می‌سازد یا خیر (ن.ک، سلیمی، ۱۳۷۷)؟ دیوان ابزارهای زیست محیطی متعددی را که توسط این دولت‌ها ابراز شده بود و شامل معاهدات زیست محیطی، اعلامیه استکهلم و اعلامیه ریو می‌شدند را مورد بررسی قرار داد. دیوان وجود تعهد کلی دولت‌ها مبنی بر تضمین این امر که فعالیت‌های تحت کنترل و صلاحیت آنان خللی به محیط زیست دیگر کشورها وارد نکند را مورد توجه قرار داد. در عین حال، دیوان خاطر نشان کرد که در حقوق بین‌الملل محیط زیست، قواعدی در رابطه با ممنوعیت استفاده از سلاح هسته‌ای وجود ندارد. به بیان دقیق‌تر دیوان این نکته را به رسمیت شناخت که پاسخ به سؤال حقوقی که از آن درخواست شده است مربوط به جنبه‌ی دیگری از حقوق بین‌الملل یعنی حقوق جنگ (ن.ک. فرانسو، ۱۳۶۵) می‌باشد. همچنین دیوان تأیید کرد که دولت‌ها باید هنگام ارزیابی و برنامه‌ریزی اهداف نظامی خود، ملاحظات زیست محیطی را هم مد نظر داشته باشند.

با توجه به اهمیت محیط زیست و نظر به توسعه سریع حقوق بین‌الملل محیط زیست در جولای سال ۱۹۹۳ دیوان شعبه‌ای اختصاصی مرکب از هفت قاضی را برای حل و فصل اختلافات زیست محیطی ایجاد، گرچه تاکنون با استقبال کشورها روبرو نشده است.

۳. دیوان بین‌المللی کیفری

اهمیت مشکلات و مسائل مربوط به نقض تعهدات زیست محیطی در حقوق داخلی کمتر از حقوق بین‌الملل کیفری نیست. اما در حالی که قوانین داخلی کشورها بسیاری از «جنایات خطیر» (Core Crimes) را بدون جبران خسارت باقی می‌گذارد، جامعه بین‌المللی با ایجاد دیوان بین‌المللی کیفری بر اساس معاهده ۱۹۹۸ رم، سعی دارد این مشکل را تا حدودی از میان ببرد. در مورد قواعد زیست محیطی وضعی مشابه نیز وجود دارد. جهت اجرای بین‌المللی این قواعد

نیاز به همکاری بین‌المللی ضروری می‌نماید تا قواعد مذکور الزام‌آور و مؤثر بوده و جامعه جهانی با حداقل موارد نقض از طرف دولتها یا سازمانهای مختلف مواجه شود.

در حالی که جرائم جدید تحت عنوان «جرائم بین‌المللی زیست محیطی» در حال شکل‌گیری است (http://www.inece.org/conference/7/vol2/20_Wkshop1C.pdf)، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که صلاحیت دیوان را رسیدگی به «جرائم بسیار مهم بین‌المللی» دانسته است، جرائم زیست محیطی را صریحاً در صلاحیت دیوان قرار نداده است. بعلاوه بر اساس «اصل قانونی بودن جرائم» که در ماده ۲۲ اساسنامه دیوان آمده است (ن.ک. دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه، ۱۳۷۷)، دیوان در ارتباط با جرائم زیست محیطی در صورتی صلاحیت خواهد داشت که اساسنامه آن اصلاح و از جرائم زیست محیطی نیز در آن صراحتاً تعریفی بعمل آید. البته اگر جرائم زیست محیطی در چارچوب مواد ۷ و ۸ اساسنامه رم قرار گیرد، ممکن است جرائم علیه بشریت یا جرائم جنگی تلقی شوند. همچنین این مشکل می‌تواند با تصویب «پیش‌نویس کنوانسیون کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولتها» حل شود. در حال حاضر، کنوانسیون مذکور از طرف کمیسیون به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارسال گردیده و باید مراحل تصویب توسط دولتها را طی کند (GA Resolution 59/35 of 2 December 2004).

پیش‌نویس تهیه شده خصوصاً نشان دهنده حرکت جامعه بین‌المللی از مفهوم «مسئولیت دوجانبه» به مفهوم عام‌تر از مسئولیت یعنی «مسئولیت در برابر جامعه بین‌المللی» در مسائلی چون حقوق بنیادین بشر منجمله حفاظت و حمایت از محیط زیست بشری است که تعهد بین‌المللی محسوب و لذا نقض آن مسئولیت بین‌المللی دولت را به همراه دارد.

۴. کنوانسیون ۱۹۸۲ و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها

کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد در خصوص حقوق دریاها، گرچه مستقیماً عهدنامه زیست محیطی نمی‌باشد، در بردارنده قوانینی راجع به نظارت گسترده بر آلودگی ناشی از کشتی‌ها، فروش کالا در بازارهای خارجی و فعالیت‌های مربوط به بستر دریاهاست و در حال حاضر «مستحکم‌ترین عهد نامه زیست محیطی» در مورد حقوق دریاها تلقی می‌شود. هر گاه بین طرفین در مورد کنوانسیون اختلافی پیش آید، کنوانسیون در ابتدا آنها را ملزم می‌کند تا اختلافاتشان را از طرق مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند و در صورت عدم توافق طرفین در حل مسالمت‌آمیز آن اختلاف، روش‌های مختلف را برای حل اختلاف پیش روی طرفین قرار می‌دهد که می‌توانند با توافق یکدیگر از بین آنها روش مورد قبول خود را انتخاب کنند. کنوانسیون به متعاهدین اجازه می‌دهد که از بین مراجع ذیل یکی را به عنوان مرجع حل و

فصل اختلاف انتخاب کنند: داوری، دیوان بین‌المللی دادگستری، و یا دیوان مستقل و خاصی که «دیوان بین‌المللی حقوق دریاها» نامیده می‌شود.

دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در سال ۱۹۹۶ در شهر هامبورگ آغاز به کار کرد و با طرح دعوی تومیمارو (The Tomimaru Case, Japan v. Russian Federation) در ۶ جولای ۲۰۰۷ از طرف ژاپن علیه روسیه تاکنون ۱۵ دعوی نزد آن مطرح شده است (http://www.itlos.org/start2_en.html)

نخستین رأی دیوان در رابطه با قضیه M/V Saiga صادر شد. در این پرونده دیوان به درخواست گینه دستور توقیف کشتی نفت کش سوئیزی را که دارای پرچم «سنت وینست گرنادینس» (Saint Vincent Grenadines)، مالکیت قبرسی، مدیریت اسکاتلندی و خدمه سنگالی و اوکراینی بود، صادر کرد. در دسامبر ۱۹۹۷ بعد از بررسی مجدد پرونده مشخص شد که گینه کشتی را به علت ارتکاب «تخلفات ماهیگیری» در منطقه انحصاری اقتصادی اش توقیف نموده بوده است. بر این اساس، دیوان اعلام کرد که کشور گینه مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها موظف به آزاد کردن کشتی است، به شرط آنکه Saiga ضمانت نامه معتبر یا وثیقه‌های مالی دیگر ارائه نماید. بعد از آنکه ضمانت نامه ارسال شد گینه آن را نپذیرفت و تنها پس از آنکه «سنت وینست گرنادینس» از طریق دیوان از «اقدامات موقتی احتیاطی» پیروی کرد کشتی و خدمه آن آزاد شدند (UN Convention, Arts. 73(2), 292, 1833, UNTS at 424, 512). در سال ۱۹۹۹ پس از بازنگری کامل پرونده، دیوان حکم غیرقانونی بودن تعقیب فوری گینه، توقیف Saiga، تعقیب و حبس کارفرمای آن و مصادره محموله را صادر کرد. در پی آن حکمی نیز مبنی بر پرداخت غرامت به «سنت وینست گرنادینس» به مبلغ ۲/۱۲۳/۳۵۷ دلار آمریکا صادر کرد که این غرامت برای جبران خسارات و زیان وارده به مالک کشتی، ناخدا، مالک محموله، کارفرما و خدمه کشتی بود (M/V Saiga, Saint Vincent v. Guinea, 1997, ITLOS Proceedings).

از طرف دیگر در ۳۰ جولای ۱۹۹۹ استرالیا و نیوزیلند در دو پرونده (Proceedings and Judgments of the ITLOS, Cases Nos. 3 and 4) و در راستای حفاظت از «ماهی تن بلوفین جنوبی»، از دیوان درخواست انجام اقدامات موقت احتیاطی علیه ژاپن را کردند. این سه کشور قبلاً با تشکیل کمیسیون مشترک صید خود را سهمیه‌بندی کرده بودند و لذا بنا به گفته این دو دولت، ژاپن با صدور اعلامیه یکجانبه و بدون موافقت آن دو کشور، ماهی تن بلوفین جنوبی موجود در دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی و دریای آزاد کشورهای دیگر را به علت عدم رعایت مقررات «کنوانسیون ۱۹۹۳ در زمینه حفاظت از ماهی تن بلوفین جنوبی» به مقدار زیادی اضافه بر سهمیه مجاز اختصاص داده شده خود (۶۰۶۵ تن)، صید می‌کرد. در این راستا در ۲۷ آگوست ۱۹۹۹ دیوان با صدور حکمی از طرفین خواست تا صید خود را با توجه به «توزیع ملی سالیانه» که آخرین بار توسط طرفین بر سر آن توافق به عمل آمده بود، تنظیم

نمایند و به منظور دستیابی به توافق در مورد اقدامات حفاظتی و مدیریتی در رابطه با ماهی تن بلوفین جنوبی، مذاکراتی را دنبال نمایند. نکته قابل توجه اینکه استرالیا و نیوزیلند اختلاف خود را از طریق داوری کنوانسیون ۱۹۸۲ حل کردند و تنها در راستای «اقدامات موقتی» که در سند تأسیس دیوان داوری پیش بینی شده بود، به دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای مراجعه نمودند (ITLOS, Dispute Concerning Southern Bluefin Tuna, Australia v. Japan and New Zealand v. Japan- Provisional Measures Requested, 1999). در ۴ آگوست سال ۲۰۰۰ دیوان داوری در مرحله رسیدگی شکلی به موضوع، به این نتیجه رسید که صلاحیت رسیدگی ندارد (<http://www.austlii.edu.au/au/journals/MelbJIL/2000/8.html>). در نهایت باید گفت که فعالیت عمده دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای در زمینه حقوق دریاهاست و لذا نمی‌تواند مرجع تخصصی برای همه مسائل زیست محیطی جهان باشد.

۵. سازمان تجارت جهانی

جامعه بین‌المللی کنونی، روز به روز شاهد رابطه‌ای نزدیک تر بین مسائل زیست محیطی و امور تجاری است. بنابراین، جای تعجب نیست اگر اختلافات متعدد زیست محیطی بین‌المللی به سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization) ارجاع داده شود. یکی از نمونه‌های آن مربوط به تحریم واردات میگو و فراورده‌های آن از طرف آمریکا است. ایالات متحده، محدودیت‌هایی را بر واردات این محصولات تحمیل می‌کرد (به استثنای واردات میگوهای صید آنها با استفاده از وسایل خاص انجام و لذا تهدید کننده زندگی آنها نبود زیرا این ابزارها مانع صید ویرانگر و غیر ضروری لاک پشت‌ها بود). همچنین در بسیاری از موارد از سازمان تجارت جهانی خواسته شده بود تا مشخص کند آیا «موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت» (گات) که در رابطه با تجارت آزاد است، در بردارنده استثنایی در خصوص منع واردات آمریکا می‌شد یا خیر؟

رکن تجدید نظر سازمان در تصمیمی در اکتبر ۱۹۹۸، دو استثنا را که می‌توانست این منع و محدودیت را موجب شود، بیان داشت. نخستین استثنا در ارتباط با اقدامات لازم در جهت حفظ و تداوم سلامتی و بقاء بشر، حیوانات و گیاهان و دومین استثنا در خصوص اقدامات ضروری برای حفاظت از منابع طبیعی قابل فرسایش بود (WTO Appellate Body Report, 12 October 1998, 127). با وجود این، رکن تجدید نظر سازمان نتیجه گرفت که منع واردات از طرف آمریکا برخلاف «موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت» است. زیرا این ممانعت به گونه‌ای بود که ماده ۲۰ موافقت‌نامه را که مقرر می‌کند اقدامات حفاظتی زیست محیطی باید بدون تبعیض باشد، نقض می‌کرد. این اقدام تبعیض آمیز آمریکا فقط نسبت به کشتی‌های

ماهگیری تجاری کشورهای معینی صورت می‌گرفت در حالیکه کشتی‌های دیگری هم بودند که از وسایل نابودکننده لاک پشت استفاده می‌کردند و با استانداردهای تعیین شده از طرف آمریکا همخوانی نداشتند. بعلاوه رکن تجدید نظر، ابزارهای زیست محیطی بین‌المللی متعدد را مورد توجه قرار داد و دستور داد که چنین اقدامات حفاظتی باید بر اساس تلاش و همکاری میان کشورها صورت گیرد نه به وسیله اقدامات یکجانبه. در ژوئیه ۱۹۹۸ وزارت امور خارجه آمریکا نسبت به راهبردهای اجرایی قانون ایالات متحده تجدید نظر کرد و واردات میگو از کشورهای دارای گواهینامه را به شرط بازرسی مورد به مورد کشتی‌ها مجاز کرد. این اقدام بدین منظور صورت گرفت که بررسی شود آیا میگوها با قایق‌های مجهز به وسایل از بین برنده لاک پشت‌ها صید شده‌اند یا خیر (Ibid, at 171)?

از دیگر اقدامات سازمان تجارت جهانی که بر مسائل زیست محیطی تأثیر داشته است، مربوط به توسعه گسترده دانش بیوتکنولوژی و تأثیرات آن بر سلامت محیط زیست و انسان می‌باشد. در ۲۹ آوریل ۱۹۹۶ اتحادیه اروپا حکم ادامه تحریمی را که نخستین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ وضع کرده بود و مربوط به واردات گوشت‌هایی می‌شد که با استفاده از هورمون‌های افزایش رشد، پرورش یافته بودند، صادر کرد (Asian Contest US Shrimp\Turtle Rule, Call for Complete Lifting of Import Ban, 28 July 1999). سازمان تجارت جهانی، نسبت به تحریم واردات به دلیل تخلف اتحادیه از تعهداتش معترض بودند. در ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۷ هیأت رسیدگی به اختلافات سازمان تجارت جهانی اظهار داشت که این تحریم اتحادیه اروپا، بر خلاف مقررات «موافقتنامه مربوط به اقدامات بهداشتی» است و بنابراین باید لغو شود. در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۸ رکن تجدید نظر سازمان تجارت جهانی این احکام را تأیید و نتیجه گرفت که ارزیابی‌های انجام شده نسبت به خطرات و خسارات احتمالی گوشت‌های هورمونی از تحریم واردات توسط اتحادیه حمایت نمی‌کند. در نهایت طرفین در راستای تعیین آخرین فرصت اتحادیه اروپا برای قبول احکام صادره در سازمان، وارد مذاکره شدند ولی توافقی حاصل نشد. بالاخره اجازه واردات گوشت گاو پرورش یافته با هورمون به اتحادیه اروپا منوط به بر چسب زدن روی آنها شد که این طرح هم چون نتوانست عملی گردد با شکست روبرو شد. در هر صورت، اتحادیه اروپا اعلام کرد که تا سال ۲۰۰۰ که بررسی خطرات احتمالی این نوع گوشت قرار بود تکمیل شود، منع وارداتش را لغو نمی‌کند (Gary G.Y., 1999, 710). در ۲۸ آوریل ۱۹۹۹ اتحادیه اروپا نتایج اولیه یکی از ۱۷ مطالعه‌ای را که تحت رسیدگی داشت، بدست آورد و اعلام کرد که پس مانده یکی از هورمون‌هایی که به گاوها خورانده می‌شد می‌توانست منجر به ایجاد سرطان شود (Pruzin, 1999, 974). در مقابل، آمریکا به اعتبار این یافته‌ها اعتراض کرد. از آنجائی که طرفین قادر به توافق بر سر تعیین

آخرین مهلت اتحادیه اروپا جهت لغو تحریم واردات نبودند یک نفر را به عنوان داور انتخاب کردند. این داور حکم داد که اتحادیه اروپا باید حداکثر تا ۱۳ ماه مه ۱۹۹۹ لغو تحریم را قبول نماید (Pruzin, 1999, 888). در پی عدم موافقت اتحادیه اروپا با لغو تحریم‌های وارداتی تا تاریخ مقرر، کانادا و آمریکا از رکن حل و فصل دعاوی سازمان تجارت جهانی خواستار اجازه تعلیق استفاده اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن از امتیازات گمرکی کانادا و آمریکا شدند و آمریکا بالغ بر ۲۰۲ میلیون دلار و کانادا ۵۱ میلیون دلار خسارت ادعا نمودند. اتحادیه اروپا به مبلغ درخواست شده از طرف ایالات متحده اعتراض داشت. لذا موضوع به هیأت عمومی داوری حل و فصل اختلافات ارجاع داده شد و هیأت در ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۷ حکمی صادر کرد که در آن اعلام شد تحریم و منع استفاده از گوشت‌های هورمونی از جانب اتحادیه اروپا منجر به ورود خساراتی به میزان ۱۱۶/۸ میلیون دلار آمریکا به ایالات متحده و ۱۱/۳ میلیون دلار کانادا به کانادا در صادرات سالیانه گوشت گاو شده است و آمریکا و کانادا در استفاده از ضمانت اجرا در مقابل اتحادیه اروپا، از حق برابری برخوردار بوده‌اند (Olsen, 13 July 1999). بنابراین در مقام مقابله به مثل، آمریکا هم در ۲۹ جولای ۱۹۹۷ نسبت به تعدادی از مواد غذایی اروپا که به این کشور وارد می‌شد تعرفه گمرکی به میزان ۱۰۰٪ تحمیل کرد.

نتیجه این که یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های حقوق بین‌الملل در سال‌های اخیر این بوده که مسائل زیست محیطی برای نخستین‌بار در چارچوب نظام تجارت جهانی مطرح گردیده است. موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) و توافقنامه زیست محیطی آن و توافقنامه کشورهای آمریکای شمالی در زمینه همکاری‌های زیست محیطی (ناتک North American Agreement on Environmental Cooperation (NAAEC) نمونه‌هایی از این قبیل هستند. اکنون توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست از اهداف سازمان است و این اهداف را می‌توان بخوبی در «برنامه توسعه دوحه» (Doha Development Agenda) که مذاکراتی را در این خصوص آغاز و برای «کمیته تجارت و محیط زیست» سازمان که در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد، تکالیفی را ایجاد می‌نماید، بخوبی مشاهده کرد (http://www.wto.org/english/tratop_e/envir_e/envt_intro_e.htm). اما روشن است که هدف اصلی سازمان تجارت جهانی بالا بردن سطح تجارت بین‌المللی است و نمی‌تواند بهترین مرجع بین‌المللی در جهت حل و فصل اختلافات بین‌المللی زیست محیطی باشد. به همین دلیل است که وجود یک دادگاه بین‌المللی زیست محیطی مستقل می‌تواند همکاری‌های بین‌المللی را در راستای رعایت و توسعه حقوق محیط زیست بین‌الملل حتی در زمینه تجارت جهانی گسترش دهد.

۶. دیوان دائمی داوری

در شهر لاهه در کشور هلند علاوه بر دیوان بین‌المللی دادگستری، مرجع مهم دیگری به نام «دیوان دائمی داوری» (Permanent Court of Arbitration) وجود دارد که اکنون ۸۵ کشور دنیا عضو آن می‌باشند. دیوان دائمی داوری بر خلاف نامش، یک مرجع دائمی و مستمر نیست بلکه سازمانی نسبتاً کم هزینه است که شامل یک دبیر خانه برای نگهداری فهرست داوران و کارشناسان واجد شرایط می‌باشد. این دیوان که در سال ۱۸۹۹ و بر اساس کنوانسیون لاهه تأسیس شد قدیمی‌ترین مرکز داوری بین‌المللی در زمینه حل و فصل اختلافات فراملی است و به تمامی اختلافات بین کشورها، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی یا کشورها و سازمان‌های غیردولتی که نزد آن اقامه شود، رسیدگی می‌نماید. دیوان به طرفین که حداقل یکی از آنها باید دولت باشد، در تشکیل داوری و در صورت درخواست طرفین در اداره و رهبری آن در «کاخ صلح» یا هر کجای دیگر یاری می‌رساند. دیوان نه تنها اصول و قواعد عمومی بسیار مفید در ارتباط با داوری و مشاوره برای حل اختلافات در اختیار دارد بلکه دارای مزایایی خاص چون کمک مالی به دولت‌های در حال توسعه که با مشکلات مالی در حل و فصل اختلافات روبرو هستند، می‌باشد (Murphy, 1999, 161).

دیوان دائمی داوری در سال ۱۹۹۶ گروه کاری ویژه را برای بررسی نقش دیوان در حل و فصل اختلافات زیست محیطی بین‌المللی تشکیل داد. این گروه به دیوان توصیه کرد که فهرستی از کارشناسان حقوق بین‌الملل محیط زیست تهیه تا بتواند به موقع آنان را بطرفین چنین دعاوی‌ای معرفی نماید. بدین منظور در ابتدا باید آگاهی لازم به دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌ها و یا افراد خصوصی (که به صورت فرا ملی فعالیت می‌کنند) در مورد آمادگی دیوان برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی محیط زیست ارائه گردد. بنابراین، اگر مثلاً شرکتی ایرانی قصد دارد در راه‌اندازی کارخانه‌ای شیمیایی در پاکستان سرمایه‌گذاری نماید، دولت پاکستان بایستی با درج شرط در قراردادی که با شرکت ایرانی منعقد می‌نماید، فقط در صورتی به این شرکت اجازه سرمایه‌گذاری دهد که شرکت مذکور ضمن قبول مسئولیت ناشی از خسارات زیست محیطی، صلاحیت دیوان دائمی داوری را در خصوص رسیدگی به اختلافاتی که بر اساس این قرار داد مطرح خواهد شد، بپذیرد. اگر کشورها برای حل و فصل اختلافات دیگری نیز توافق کنند، مأموریت دیوان دائمی داوری می‌تواند حتی شامل اختلافات بین افراد خصوصی نیز بشود. بعضی از کشورها ممکن است حتی با صدور اعلامیه‌های یکجانبه «صلاحیت اجباری دیوان» (Compulsory Jurisdiction) را برای هر اختلاف زیست محیطی که توسط کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و یا افراد خصوصی علیه آنان مطرح می‌شود، بپذیرند (ن.ک. زیاران، ۱۳۷۳). در سال‌های اخیر، دیوان دو مجموعه قواعد اختیاری یکی در

زمینه «داوری» و دیگری در زمینه «سازش» اختلافات زیست محیطی و منابع طبیعی را به تصویب رسانده و برای استفاده در اختیار جامعه بین‌المللی قرار داده است (<http://www.pca.org>). با این حال، با توجه به رویه دولت‌ها در عدم استفاده لازم از این دیوان و در قالب فعلی، دیوان نمی‌تواند نقش دادگاه و رسیدگی قضایی در دعاوی زیست محیطی را بطور موثر ایفا کند.

۷. دادگاه‌ها و نهادهای داوری منطقه‌ای

اکنون دادگاه‌های فراملی و منطقه‌ای متعدد در سطح جهان وجود دارد. یکی از این دادگاه‌ها که به موضوعات زیست محیطی نیز رسیدگی می‌کند، دیوان دادگستری اروپایی (European Court of Justice) است. این دادگاه نه تنها درباره کشورهای عضو اتحادیه اروپا بلکه نسبت به تمام ارگان‌های آن اتحادیه، مؤسسات خصوصی و افراد حقیقی صلاحیت تصمیم‌گیری قانونی دارد. در آراء دیوان دادگستری اروپایی می‌توان آراء و تصمیمات بسیار را در خصوص حقوق بین‌الملل محیط زیست بخصوص در مورد آب، هوا، زباله و طبیعت یافت (<http://www.jak.ppke.hu/tanszek/doktori/tananyag/1.pdf>)^۱ هر چند صلاحیت این دادگاه محدود به منطقه جغرافیایی خاصی است (Bluestein, 20 July, 1999, E1).

دادگاه اروپایی حقوق بشر و شورای اروپا هم در زمینه ارائه تعریف و اجرای مقررات بین‌المللی محیط زیست که قابل استفاده در مراجع قضایی منطقه‌ای و یا دادگاه‌های داخلی باشد، پیشرفت‌های زیادی داشته‌اند. به عنوان مثال، دادگاه اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۹۴ در رأی مربوط به پرونده لوپز اوسترا (Lopez Ostra) در راستای گسترش قلمرو حفاظت از محیط زیست، قواعد سنتی مربوط به حقوق بشر را اعمال کرد (López Ostra vs. Spain, ECHR, Application no. 16798/90)، گرچه نتوانست نسبت به پرونده‌های بعدی اعمال صلاحیت کند. شورای اروپا نیز علاوه بر تصویب «کنوانسیون مسئولیت مدنی در رابطه با خسارات ناشی از فعالیت‌های تهدید کننده محیط زیست» (Convention on the Civil Liability for Damages Resulting from Activities Dangerous to the Environment, 21 June 1993)، در ۴ نوامبر ۱۹۹۸، کنوانسیون را در حمایت کیفری از محیط زیست، برای امضای کشورها تهیه کرد. این کنوانسیون در بر دارنده قوانینی در زمینه جرایم خاصی است که به جرایم عمدی، غیر عمدی

۱. بعنوان مثال ن.ک به پرونده‌های زیر:

Case C-431/92 of 11 August 1995, under Articles 155 and 169 of the EC Treaty; Case C-81/96 of 18 June 1998, under Article 177 of the EC Treaty; Case C-60/01 of 18 June 2002, under Article 226 EC Treaty; Case C-201/02 of 7 January 2004, under Article 234 of the EC Treaty; 26 April 2005 under Article 226 EC Treaty and Case C-6/04 of 20 October 2005 under Article 226 EC Treaty.

و شبه عمدی تقسیم می‌شود و مرتکبین آن جرائم، با ایجاد آلودگی، خسارت به محیط زیست وارد می‌کنند (Convention on the Protection of the Environment Through Criminal Law, 4 November 1998). با وجود این، چنین کنوانسیون‌هایی فقط در سطح منطقه‌ای قدرت اجرایی داشته و بعنوان نظامی که بتواند به طور کامل در سطح بین‌المللی از حقوق محیط زیست حمایت کند، تلقی نمی‌شوند.

همچنین نهادهای داوری متعدد وجود دارند که در خصوص حل و فصل اختلافات فراملی فعالیت می‌نمایند. بسیاری از این نهادها به اختلافات بین دولت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و افراد خصوصی و همچنین اختلافات بین افراد خصوصی با یکدیگر، رسیدگی می‌کنند. بنابراین از جاذبه‌های اصلی ارجاع دعاوی فراملی به داوری که آن را رقیبی قدرتمند در مقابل دیوان بین‌المللی دادگستری قرار می‌دهد، این است که نه تنها افراد خصوصی می‌توانند مستقیماً دعاوی خود را در این مراجع مطرح کنند بلکه در انتخاب داور یا داوری هم نقشی بسزا دارند. داوران می‌توانند از میان حقوقدانان و یا غیرحقوقدانان که دارای علم و تجربه خاص درباره مسئله مورد اختلاف هستند یا از بین کارمندان سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مانند دیوان دائمی داوری لاهه، اتاق بازرگانی بین‌المللی، انجمن داوری آمریکا در نیویورک، مرکز حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ایکسید ICSID, <http://icsid.worldbank.org/ICSID/Index.jsp>) در واشنگتن و مراکز داوری منطقه‌ای در کوالالمپور، قاهره یا تهران انتخاب شوند.

از لحاظ تاریخی بسیاری از این مراکز از مدت‌ها قبل در جهت حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی تلاش می‌کرده‌اند و موضوعات زیست محیطی نیز در میان چنین اختلافاتی وجود داشته است. در حقیقت این نهادها به طور روز افزون با اختلافاتی مواجه هستند که در چارچوب محیط زیست بین‌الملل یا قوانین حفاظت از محیط زیست قرار می‌گیرند، درست مثل رأی مرکز ایکسید در سال ۱۹۹۲ در «قضیه شرکت سرمایه‌گذاری اقیانوس آرام جنوبی» به طرفیت کشور مصر (Sands, 1996). در این پرونده خواهان شرکتی بود که برای گسترش مجموعه‌های توریستی در منطقه «اهرام» مصر یعنی نزدیک قاهره و حومه آن با دولت مصر قراردادی منعقد کرد. پس از آن مخالفت‌های سیاسی داخلی در مصر نسبت به پروژه شکل گرفت و در ماه می ۱۹۷۸ دولت مصر طی بیانیه‌ای اعلام کرد به دلیل وجود آثار باستانی که نیاز به حفاظت دارند و نیز بخاطر تعهدات مصر نسبت به کنوانسیون میراث فرهنگی ۱۹۷۵، منطقه مربوطه در نزدیکی اهرام سرمایه ملی محسوب و لذا اموال شرکت سرمایه گذار مصادره می‌گردد. مرکز ایکسید این ادعا را که مصر بر اساس کنوانسیون میراث فرهنگی موظف به مصادره اموال شرکت مذکور است، نپذیرفت. مرکز اظهار داشت که «کنوانسیون یونسکو به

خودی خود، اقدامات صورت گرفته توسط خواننده را موجه نمی‌داند» و بر اساس این کنوانسیون «انتخاب مکان‌هایی که باید مورد حمایت قرار گیرند از طریق مراجع خارجی معین نمی‌شود بلکه اختیار تعیین آنها به خود دولت‌ها داده شده است» (Southern Pacific Properties (Middle E.) Ltd. v. Arab Republic of Egypt, ICSID, 1992).

اینکه آیا اصول و قواعد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ناشی از کنوانسیون‌های بین‌المللی کارآمد هستند یا خیر بستگی به عملکرد متعاهدین آنها و رعایت این قواعد دارد. در عمل برای تشخیص این امر، نیاز به بررسی تأثیر معاهدات بر مذاکرات و ایجاد روش‌های حل و فصل اختلافات توسط مراجع است که بعنوان مثال در بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی (Asian Development Bank) و بانک توسعه آمریکایی (Bank American Development-Inter) پدید آمده است. در هر حال نیاز جدی به چنین مکانیزم‌هایی در زمینه حفاظت از محیط زیست موجب شده توجه جهانی بیشتر به مسئله ایجاد یک «سازمان بین‌المللی محیط زیست» و دادگاهی بیطرف وابسته به آن سازمان، جلب شود.

۸. دادگاه‌های ملی و داخلی

چون حقوق بین‌الملل به ندرت به جنبه‌های داخلی مربوط به جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات رسیدگی می‌کند، این حقوق ترجیح می‌دهد حل و فصل چنین مسائلی در صلاحیت مراجع داخلی کشورها باشد. نمونه‌هایی از اختلافات بین‌المللی زیست محیطی وجود دارد که از طریق ارجاع به دادگاه‌های داخلی حل و فصل شده‌اند (مثل خساراتی که در امتداد رودخانه راین در اروپا یا در مرز کانادا و آمریکا وارد گردید (Sands, 1991, 236-270)). از مزایای مهم حل و فصل اختلافات در مراجع داخلی همچون «دادگاه محیط زیست نیوزلند»، این است که هزینه دادرسی به طور کامل از طریق دادگاه‌های ملی تأمین شده، به راحتی در دسترس بوده و معمولاً، روشی مؤثر برای حل دعاوی و اجرای احکام می‌باشد. اما مشکلات متعدد در مورد دعاوی فراملی در مراجع داخلی وجود دارد: اول اینکه اگر دعاوی در دادگاه‌های ملی رسیدگی شود اعمال صلاحیت قانونی نسبت به خواننده خارجی، خصوصاً اگر این خواننده دولت خارجی باشد، ممکن است با مشکلات قابل توجه مواجه شود. همچنین متقاعد کردن دادگاه نسبت به اینکه در ارتباط با موضوع دعاوی صلاحیت قانونی دارد و باید قانونی خاص را در این خصوص اعمال کند، ممکن است با مشکلاتی روبرو شود. بنابراین، مثلاً در ایران خواهان باید دادگاه را متقاعد کند که در مورد خواننده خارجی صلاحیت قانونی داشته و اعمال چنین صلاحیتی، با توجه به محدودیت‌ها و موانع اقامه دعوی، هیچگونه تعارضی با مقررات داخلی و قانون اساسی ندارد. دوم اینکه، ممکن است به دلیل هزینه زیاد

دادرسی در کشور خارجی، پیگیری مسئله در دادگاه‌های خارجی مشکل باشد. بالاخره اینکه اصولاً حکم صادره در هر کشور در همان کشور لازم‌الاجراست. بنابراین، ممکن است خواهان در راستای اجرای حکم صادره از دادگاه خارجی در کشوری که موجودی خوانده در آنجا قرار دارد، نتواند اقدامی بنماید. با این حال، باید به این مطلب توجه شود که اگر دعوی در دادگاه بین‌المللی محیط زیست مطرح گردد اولاً هزینه‌ها برای طرفین یکسان و برابر خواهد بود (Mc Caffrey, 1981, 35) و ثانیاً برخی مسائل زیست محیطی دارای ابعاد بین‌المللی است و حقوق داخلی عاجز از حل و فصل آنهاست.

۹. تحلیل حقوقی دلایل موافقان و مخالفان تاسیس دادگاه بین‌المللی

محیط زیست

اکنون لازم است به دلایل ارائه شده از سوی موافقین و مخالفین تأسیس دادگاه بین‌المللی محیط زیست و ارزیابی آنها بپردازیم. حامیان ایجاد دادگاه بین‌المللی محیط زیست در خصوص علت عدم کفایت دادگاه‌های فوق‌الذکر برای حل اختلافات بین‌المللی محیط زیست چندین فرضیه عمده و اساسی را پیشنهاد می‌کنند که هر یک از آنها ذیلاً مورد بررسی قرار خواهد گرفت (Murphy, 1999-2000, 333).

۹-۱ بی‌توجهی دادگاه‌های فعلی به حقوق بین‌الملل محیط زیست

نخستین مسئله‌ای که توسط حامیان ایجاد دادگاه بین‌المللی محیط زیست مطرح گردیده این است که دادگاه‌ها و مراجع قضایی موجود نسبت به حقوق بین‌الملل محیط زیست حساسیت و توجه کافی ندارند. به بیان دیگر جامعه جهانی به قضاتی نیاز دارد که به طور خاص در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست آموزش دیده و در دادگاه‌های تخصصی و مستقل بر مسند قضاوت نشسته باشند. البته طرفداران این نظریه، به این مطلب توجه دارند که دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۹۷ در قضیه گابسیکو-ناجیماروس، استدلال مجارستان دال بر عدم اجرای تعهدات قراردادی مربوط به خسارات زیست محیطی را رد کرد (<http://www.icj-cij.org/docket/files/92/7375.pdf>). همچنین آن دیوان در ۸ جولای سال ۱۹۹۶ استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را با وجود حجم گسترده خسارات زیست محیطی‌ای که در صورت استفاده از آنها پدید خواهد آورد، غیر قانونی ندانست (<http://www.icj-cij.org/docket/files/95/7495.pdf>) ایرادات مشابهی نیز ممکن است نسبت به آراء سازمان تجارت جهانی، مرکز ایکسید و حتی دیوان دادگستری اروپایی که بیشتر در راستای منافع تجاری و

سرمایه‌گذاری تأسیس شده‌اند و به اندازه کافی به دنبال حمایت از محیط زیست نیستند، مطرح شود.

در این خصوص باید به سه نکته اساسی توجه شود: اول اینکه آیا اگر دادگاه‌های بین‌المللی موجود به اندازه کافی نسبت به حقوق بین‌الملل محیط زیست حساس و دقیق نیستند، ایجاد چنین دادگاهی مؤثرترین و کارآمدترین روش برای توجه دادن و حساس کردن و با اهمیت کردن آن برای جامعه بین‌المللی است؟ رقیب این دادگاه احتمالی دیوان بین‌المللی دادگستری است. دیوان مرجعی مرکب از حقوقدانانی است که از لحاظ حقوقی به صورت حرفه‌ای آموزش دیده‌اند. در نتیجه همان‌طور که اشاره شد، در ماه ژوئیه ۱۹۹۳ دیوان بین‌المللی دادگستری شعبه‌ای دائمی به نام «شعبه مربوط به مسائل زیست محیطی» (Environmental Chamber) تأسیس کرد که متشکل از ۷ قاضی است (Murphy, 1994, 38-41). دیوان اعلام کرد که این شعبه را با در نظر گرفتن توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست در سال‌های اخیر و به منظور بررسی پرونده‌های زیست محیطی که در چهارچوب صلاحیت دیوان به آن ارجاع داده می‌شود، تأسیس کرده است. این شعبه بر اساس ماده ۲۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و مواد ۱۶ و ۱۸ آیین دادرسی آن ایجاد شده است. تاکنون هیچ کشوری به دعوت این دادگاه مبنی بر ارجاع پرونده‌های زیست محیطی به این شعبه، پاسخ مثبت نداده است. بر اساس اصول و قوانین موجود، هر گاه نسبت به دقت یا غفلت قضات دیوان یا توانایی در رسیدگی به اختلافات زیست محیطی تردید و نگرانی وجود داشته باشد، طرفین دعوا می‌توانند از دادگاه تقاضای ارجاع اختلاف به این شعبه را بنمایند. دوم اینکه، باید توجه کرد که ایجاد یک دادگاه بین‌المللی محیط زیست بی تجربه نسبت به دادگاه‌های با تجربه فعلی ممکن است مشکلات را حل نکند بلکه آن را تشدید نیز بنماید. اصولاً در هر اختلاف زیست محیطی رسیدگی قضایی به نفع یکی از طرفین (مثل مجارستان) و علیه طرف دیگر (مثل اسلواکی) است. مثلاً اگر چنین دادگاه زیست محیطی بین‌المللی وجود داشت، شاید مجارستان تمایل به اقامه دعوی در آن دادگاه را داشت و در مقابل اسلواکی نداشت. بنابراین اگر برای دادگاه بین‌المللی محیط زیست «صلاحیت اجباری» در نظر گرفته شود، ممکن است در خصوص اقامه دعوی در آن دادگاه، بین کشورها توافقی حاصل نشود.

سوم اینکه، ایجاد دادگاه بین‌المللی محیط زیست به منظور جبران نارسایی‌های دادگاه‌های موجود الزاماً جایگاه و نقش حقوق بین‌الملل محیط زیست را در نظام حقوقی بین‌المللی به طور کامل مشخص نخواهد کرد. شاید فقط اندکی از اختلافات را می‌توان یافت که منحصرأ در زمینه محیط زیست است و در حقیقت چنین «اختلافات انحصاری» وجود ندارد و موضوعات و مسائلی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری، مالکیت معنوی و موضوعات مختلف

دیگر نیز در این پرونده‌ها وجود دارد. البته سیستم بین‌المللی نیاز به افزایش دادگاه‌های بین‌المللی در هر یک از این زمینه‌های حقوقی به طور خاص و جداگانه ندارد. با این حال، شاید تخصصی شدن مسائل زیست محیطی یکی از عوامل ناکارآمدی مراجع با صلاحیت عام فعلی است.

۲-۹ محدودیت صلاحیت دادگاه‌های موجود

دومین مسئله‌ای که از جانب طرفداران ایجاد دادگاه بین‌المللی محیط زیست مطرح شده این است که دادگاه‌های موجود به دلیل محدود بودن صلاحیت‌شان نمی‌توانند به طور مؤثر به دعاوی زیست محیطی رسیدگی نمایند و در این خصوص به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه شیلالت (ICJ Rep., 1995) بین اسپانیا و کانادا در دسامبر ۱۹۹۸ اشاره می‌کنند. در این پرونده اسپانیا مدعی بود که کانادا حقوق بین‌الملل را به دلایل ذیل نقض کرده است: (۱) قوانین و آئین نامه‌هایی که به منظور جلوگیری از ماهیگیری بی رویه گونه‌ای از ماهی‌ها، که در دریای آزاد و منطقه انحصاری اقتصادی کانادا بودند، وضع گردیده و به کانادا اجازه انجام اقدامات اجرایی در دریای آزاد را می‌داد (۲) توقیف یک کشتی ماهیگیری اسپانیایی در دریای آزاد که ادعا می‌شد بی رویه ماهیگیری کرده است. در هر حال، دیوان در مرحله رسیدگی به صلاحیت خود پرونده را از دستور کار خارج نمود. زیرا موضوع مربوط به اقدامات مدیریتی و حفاظتی می‌شد که توسط کانادا در مقابل کشتی‌های ماهیگیری در منطقه نظارت (سازمان ماهیگیری آتلانتیک شمالی) انجام گرفته بود. حامیان ایجاد دادگاه بین‌المللی محیط زیست به این حکم دیوان به عنوان مدرکی اشاره می‌نمایند که دادگاه‌های موجود قلمرو صلاحیت خود را به صورت مضیق تفسیر می‌کنند و از تصمیم‌گیری نسبت به حمایت‌های ضروری از محیط زیست خودداری می‌کنند. با این حال، باید توجه داشت حتی زمانی که دیوان بین‌المللی دادگستری پرونده‌ای را به خاطر مسائل صلاحیتی غیر قابل رسیدگی می‌داند، حکم یا دستوری صادر می‌کند که به درک مسائل مربوط به حقوق محیط زیست بین‌الملل کمک می‌کند.

اگر دادگاه بین‌المللی محیط زیست جدید باید ایجاد شود، بدون شک این تأسیس ناشی از معاهده‌ای چند جانبه خواهد بود. بنابر این به نظر می‌رسد باید تلاش بسیار کرد تا دولت‌هایی که از طرح دعوی در محاکم موجود استقبال نمی‌نمایند، نسبت به اقامه دعوی در دادگاه بین‌المللی محیط زیست، تشویق شوند.

۳-۹ اطلاع دادرسی در مراجع قضایی موجود

سومین مسئله‌ای که از جانب حامیان تأسیس دادگاه بین‌المللی محیط زیست در مورد عدم کفایت دادگاه‌های فعلی مطرح می‌شود این است که این دادگاه‌ها در رسیدگی به پرونده‌ها کند عمل می‌کنند و اقامه دعوی در آنها از طرف هیچ‌کس به جز دولت‌ها مجاز نمی‌باشد. البته این ادعا در تمام موارد منصفانه نیست. به عنوان نمونه بر اساس مقررات حاکم بر دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای وقتی دولتی یک کشتی خارجی را توقیف می‌نماید، ۱۰ روز پس از اینکه دولت شاکی درخواست تشکیل پرونده نماید، دیوان باید جلسه رسیدگی شفاهی را تشکیل دهد. بعلاوه حکم دیوان باید ۱۰ روز پس از اتمام جلسه رسیدگی شفاهی صادر شود. جداول زمانی نسبتاً فشرده و مشابه نیز برای حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی موجود است که مطابق آنها عمل می‌شود.

دیوان بین‌المللی دادگستری در کند بودن رسیدگی به پرونده‌ها شهرت دارد. با این حال زمانی که شرایط، عملکرد فوری دیوان را ایجاب کند، سریعتر عمل می‌نماید. به عنوان نمونه می‌توان از سرعت تصمیم‌گیری در پرونده‌های پاراگوئه و آلمان (ICJ Rep., 1998 and ICJ Rep., 2001) برای توقف اجرای حکم اعدام در ایالات متحده نام برد. روند آهسته رسیدگی دیوان اغلب ناشی از خود طرفین است که تمایل به ثبت لوایح مختلف مربوط به دعاویشان را دارند. با این حال، دیوان از نظر سرعت در مقایسه با رسیدگی در دادگاه‌های داخلی بهتر عمل می‌کند.

در رابطه با اقامه دعوی توسط نهادهای غیردولتی، اکنون در مراجعی چون دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا، مرکز ایکسید و دیوان دادگستری اروپایی مؤسسات غیر دولتی هم می‌توانند اقامه دعوی نمایند. اگر حقوق بین‌الملل در جامعه جهانی به قدری توسعه یابد که به دنبال ایجاد دادگاه جهانی محیط زیست باشد به نحوی که ارگان‌های غیر دولتی نیز بتوانند در آن اقامه دعوی کنند، باید اسناد تأسیس دادگاه‌ها و مراجع موجود نیز در چنین راستایی اصلاح شود. تغییر در قوانین حاکم بر دیوان بین‌المللی دادگستری به راحتی صورت نمی‌گیرد ولی در مقابل باید اذعان نمود که ایجاد یک دادگاه کاملاً جدید بین‌المللی محیط زیست هم کار آسانی نیست.

۴-۹ عدم اعتماد به دادگاه‌ها و مراجع داخلی

در نهایت ممکن است کسی بر این اساس که دادگاه‌های داخلی بدلیل مشکلات مربوط به روند دادرسی و یا عدم رعایت بی‌طرفی، نمی‌توانند به مشکلات زیست محیطی بین‌المللی رسیدگی کنند، ایراد وارد نماید. حتی با وجود چنین مشکلاتی، دادگاه‌های داخلی ابزار بسیار

مهم برای تکوین حقوق از جمله حقوق بین‌الملل محیط زیست بوده و خواهند بود. بعلاوه، این دادگاه‌ها حتی در صورتی که سازمان‌های بین‌المللی با مشکلات مالی روبرو شوند، از بودجه مناسب برخوردار بوده و می‌توانند انجام وظیفه کنند.

اگر در خصوص بی طرفی مراجع داخلی نارسائی‌ها و نواقصی وجود دارد، در مقابل راه‌های قانونی مؤثری نیز وجود دارد. جامعه جهانی می‌تواند با تأکید بر گسترش معاهدات بین‌المللی زیست محیطی و تأثیری که این معاهدات بر حقوق داخلی می‌گذارد، مشکلات مذکور را حل نماید (ن.ک امیراجمند، ۱۳۷۴). در این زمینه می‌توان از «کنوانسیون حمایت از محیط زیست» ۱۹۷۴ نام برد که بین کشورهای دانمارک، فنلاند، سوئد و نروژ منعقد شده است اگر نسبت به مسئله عدم بی طرفی دادگاه‌های داخلی نگرانی وجود دارد باید گفت جامعه جهانی می‌تواند راهکارهایی را ایجاد کند که خواهان تبعه کشور (الف) بتواند علیه خواننده ای از کشور (ب) در کشور (ج)، بعنوان کشوری بی طرف، اقامه دعوی نماید. اخیراً موارد بسیار وجود داشته که در آنها شاکیان آمریکایی و غیرآمریکایی برای احقاق حق خود، در دادگاه‌های آمریکا بر اساس قواعد عرفی حقوق بین‌الملل علیه بانک‌ها و صنایع و کارخانه‌های اروپایی در خصوص دوران قتل عام یهودیان (هولوکاست) طرح دعوی کرده‌اند (Murphy, 1991, 439-440). متوسل شدن به چنین دادگاه‌های بی طرفی می‌تواند در دعاوی خسارات زیست محیطی فراملی، مثمرتر باشد. البته این به معنی بی نیازی نسبت به دادگاه مستقل زیست محیطی بین‌المللی نیست.

۱۰. نتیجه‌گیری

آگاهی عمومی نسبت به بحران‌های زیست محیطی با همکاری‌های بین‌المللی گسترده در این خصوص توأم شده و به نوبه خود باعث شکل‌گیری این نگرش مشترک گردیده که دولت‌ها و حتی افراد خصوصی برای جلوگیری از خطرات سنگین و احتمالی ناشی از تخریب محیط زیست که می‌تواند زندگی و حق داشتن محیط زیست سالم و امنیت آنان را تحت الشعاع قرار دهد (Universal Declaration of Human Rights, Art. 3, and International Convention on Civil and Political Rights, 19 Dec., 1996, 999 UNTS 172)، بعنوان یک «قاعده آمره» (Jus Cogens) حقوق بین‌الملل، خود را متعهد بدانند (موسوی، سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست، ۱۳۸۵). نمی‌توان انکار کرد که رویه دولت‌ها زمینه و شرایط لازم برای پذیرش قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در این زمینه را نیز فراهم کرده است (North Sea Continental Shelf Cases, ICJ Rep., 1969, 3, 42-44; Military and Paramilitary Activities, ICJ Rep., 1986, 14, 97, و ن. ک ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴، بخش منابع حقوق بین‌الملل). در کنفرانس جهانی حقوق بشر سال ۱۹۹۳ که

بیش از ۱۰۰ کشور در آن حضور داشتند اعلام شد تخلیه غیرمجاز فاضلاب‌های سمی، «حق حیات» افراد بشری را به طور جدی تهدید می‌نماید (Vienna Declaration and Programme of Action, Report of World Conference on Human Rights, at 20, 24 UN Doc. A/Conf.157/24 (part I) (1993)). همچنین عرف بین‌المللی نیز مقرر می‌نماید که حقوق داخلی باید با قواعد بین‌المللی مربوط به مسئولیت مدنی یا کیفری ناشی از تخریب محیط زیست هماهنگی لازم داشته باشد. در همین راستا، در سال‌های اخیر عرف موجود بین دولت‌ها، موافقتنامه‌های دو جانبه، آراء و احکام محاکم بین‌المللی و عملکرد متحدالشکل دولت‌ها، چه در زمینه حقوق بین‌الملل و چه در زمینه حقوق داخلی، برای متعهد کردن دولت‌ها و شهروندان‌شان به حفظ و حمایت از محیط زیست و ایجاد قواعد حقوقی الزام‌آور، در راستای حمایت از حق بشری داشتن محیط زیست سالم، مؤثر بوده است. به عنوان مثال تاکنون دولت‌ها حدود ۳۵۰ معاهده چند جانبه و ۱۰۰۰ معاهده دو جانبه را در راستای حمایت از محیط زیست تدوین نموده‌اند (1994) UN ESCOR, 46th Sess., at 8, UN Doc. E /CN.4/Sub.2/1994/9 و نزدیک به ۶۰ کشور در قوانین اساسی خود انواع قواعد الزام‌آور حمایت از محیط زیست یا دیگر مسائل حقوقی مربوط به حقوق محیط زیست را گنجانده‌اند (Ibid, at 81-89). نمونه بارز آن جمهوری اسلامی ایران است که این امر را در اصل ۵۰ قانون اساسی خود پیش بینی کرده است.

برخی از این معاهدات بین‌المللی همچون معاهده اروپایی ۱۹۷۹ برن درباره حفاظت از حیات طبیعی و زندگی جانوری اروپا، کنوانسیون ۱۹۷۶ حمایت از رود راین در مقابل مواد شیمیایی و کنوانسیون پاریس در مورد جلوگیری از آلودگی دریا که منشأ آنها از خشکی است، به کشورهای عضو اجازه می‌دهند اختلافات خود در خصوص تفسیر و اجرای این معاهدات را از طریق داوری حل نمایند. برخی دیگر همچون کنوانسیون ۱۹۷۲ لندن در مورد دامپینگ، و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، داوری یا توسل به دیوان بین‌المللی دادگستری را برای حل اختلافات زیست محیطی در نظر می‌گیرند. با این حال، بدون وجود قلمرو مشخص و تعریف شده و بدون از حقوق بین‌الملل محیط زیست، این‌گونه تعهدات حمایت از محیط زیست، نامشخص و مبهم باقی مانده و روند ایجاد اصولی که برای دولت‌ها و افراد تضمین کننده حمایت از محیط زیست و حفظ حقوق بنیادین بشر است (ن.ک ناصرزاده، ۱۳۷۸)، متوقف و نهایتاً در این راه وجود مسئولیت برای دولت‌ها و افراد خصوصی عقیم می‌ماند. بنابراین، نیاز به یک سیستم قضایی بین‌المللی کارآمد و متمرکز که به وسیله آن بتوان از این حقوق اساسی و عرفی بین‌المللی بطور جدی حمایت کرد، کاملاً احساس می‌شود. اصل ۱۰ اعلامیه ۱۹۹۲ ریو «دسترسی به سیستم اداری و قضایی کارآمد را که شامل مکانیسم‌های جبران خسارات

زیست محیطی می‌شود، امری الزامی می‌داند.» (ن.ک. لواسانی، ۱۳۷۲)^۱ در این زمینه «دادگاه بین‌المللی محیط زیست» می‌تواند به طور مؤثر مسائل بین‌المللی و اختلافاتی که مربوط به از بین بردن منابع زیست محیطی کره زمین من جمله گازهای گلخانه‌ای و شکاف در لایه ازن، تغییر اقلیم، ریختن فاضلاب‌ها به دریاها، استفاده از انرژی هسته‌ای و مواد شیمیایی مضر، از بین بردن جنگل‌ها و بیابان زایی و آلودگی‌های اتمسفر و اقیانوسهاست را بررسی و حل و فصل کند.

گر چه به نظر می‌رسد هنوز جامعه جهانی آمادگی کامل برای ایجاد یک دادگاه بین‌المللی محیط زیست را ندارد، در سطح جهانی نیاز به چنین دادگاهی که در راستای ایجاد وحدت حقوقی و بالا بردن امکان دسترسی به اطلاعات زیست محیطی در زمینه مسائل قضایی جهانی عمل کند، احساس می‌شود. با تأسیس این مرجع جهانی می‌توان حمایتی گسترده را چه از جهت مسئولیت کیفری بین‌المللی چه از جهت مسئولیت مدنی بین‌المللی اعمال کرد و از شکل‌گیری جرائم زیست محیطی (Deen, 2007, http://ipsnews.net/note_award.asp?idnews=

39387) که می‌توانند بزرگ‌ترین تهدید علیه مسلم‌ترین حق بشری یعنی «حق حیات» باشند جلوگیری و خسارات وارده به آن را جبران کرد. از آن جا که جبران کامل خسارات زیست محیطی ناممکن و نیازمند مدت زمانی بسیار طولانی است، باید علاوه بر ایجاد دادگاهی خاص و مستقل در این زمینه، از سازوکارهای بازدارنده در جهت جلوگیری از ارتکاب این جرایم استفاده کرد. این کار جز از طریق تصویب و تدوین قوانین مدون و سازمان یافته و دسترسی به اطلاعات علمی در ارتباط با قوانین ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه محیط زیست، امکان‌پذیر نمی‌باشد. در نتیجه لازم است در این زمینه همکاری‌های بین‌المللی گسترده انجام گیرد. تجربه جامعه بین‌المللی در ایجاد مراجعی چون دیوان بین‌المللی کیفری نشان می‌دهد که تأسیس دادگاه بین‌المللی برای «طبیعت» ممکن است سال‌ها به طول انجامد، اما شدنی است. چنین دادگاهی جامعه بین‌المللی را مجبور خواهد کرد تا نسبت به کاهش گازهای گلخانه‌ای اقدام نماید و کشورها از کوچک و بزرگ و اشخاص اعم از دولتی و خصوصی، وقتی سبب نابودی زیبایی‌های طبیعت و ناقض «حق داشتن محیط سالم» می‌شوند، جبران خسارت کرده و یا به مجازات برسند.*

1. ... Effective access to judicial and administrative proceedings, including redress and remedy, shall be provided.

* نگارنده لازم می‌داند از زحمات سرکار خانم شیرین شکرچی زاده در تهیه این مقاله تشکر نماید.

منابع و مآخذ

الف- فارسی

۱. امیرارجمند، اردشیر، (۱۳۷۳)، «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره پانزدهم..
۲. درودیان، حمید رضا، (۱۳۸۵)، «آتش در گلستان»، روزنامه جام جم، شماره ۱۷۹۵، سال هفتم، یکشنبه ۲۹ مرداد.
۳. دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه، (۱۳۷۷)، *اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری*، چاپ اول، تهران، دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه.
۴. زیاران، بزرگمهر، (۱۳۷۳)، «توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست: مسئولیت دولتها و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات»، *مجله سیاست خارجی*، شماره سوم.
۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، چاپ بیستم، تهران، گنج دانش.
۶. سلیمی، ایرج و بیات، لیدا، (۱۳۷۷)، «نقش آلودگی هسته‌ای در محیط زیست»، *مجله محیط زیست*، شماره بیست و چهارم.
۷. فرانسوین، ژاک، (۱۳۶۵)، «جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت»، ترجمه محمدعلی اردبیلی، *مجله حقوقی*، شماره هفتم.
۸. لواسانی، احمد، (۱۳۷۲)، *کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در ریو*، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۹. موسوی، سیدفضل الله، (۱۳۸۵)، *سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست*، تهران، نشر میزان.
۱۰. ناصرزاده، هوشنگ، (۱۳۷۸)، *اعلامیه‌های حقوق بشر*، چاپ اول، تهران، نشر دادآفرین.

ب- خارجی

- 1- "Asian Contest US Shrimp\Turtle Rule, Call for Complete Lifting of Import Ban", (28 July 1999) 16 *Int. Trade Reports* 1250.
- 2- Bluestein P., "Europe Hit By Tariffs In Battle Over Beef", Washington Post, 20 July, 1999, E1. Brinie P. W., et al., *International Law and the Environment*, Clarendon Press, Oxford, 1995.
- 3- Certain Phosphate Lands in Nauru, *ICJ Rep.*, 1992, p. 240 and Scobbie Iain "Case Concerning Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia), Preliminary Objections Judgment", in *International and Comparative Law Quarterly* (1993), 42:710-718 and <http://www.icj-cij.org/docket/files/80/10315.pdf>.
- 4- Communication No. 67/1980, 2 *Selected Decisions of the Human Rights Committee under the Optional Protocol 20*, U.N. Doc. CCPR/C/OP/2 (1990).
- 5- Convention on the Protection of the Environment between Denmark, Finland, Norway and Sweden, 1974 (1976).
- 6- Convention on the Civil Liability for Damages Resulting from Activities Dangerous to the Environment, 21 June 1993.
- 7- Convention on the Protection of the Environment Through Criminal Law, 4 November 1998.
- 8- Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, UN Conference on Environment and Development, Rio Declaration on Environment and Development.
- 9- Deen Thalif, "An International Court to Try Ecological Crimes?", 2007, at http://ipsnews.net/note_award.asp?idnews=39387, viewed on 10 January 2009.
- 10- Fisheries Jurisdiction (Spain v. Canada), *ICJ Rep.*, 1995.
- 11- Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary\Slovakia), *ICJ Rep.* 1997, www.icj-cij.org/docket/files/92/7375.pdf.
- 12- Gary G.Y., "US, Europe Make Little Progress in New Discussions on Beef, Aids Say", (1999) 16 *Int. Trade Reports* 710.
- 13- International Convention on Civil Liability for Oil Pollution Damages, 29 November 1969.
- 14- International Convention on Civil and Political Rights, 19 Dec., 1996, 999 *UNTS* 172.

- 15- International Tribunal for the Law of the Sea, Dispute Concerning Southern Bluefin Tuna, Australia and New Zealand v. Japan-Provisional Measures Requested, 1999.
- 16- Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, *ICJ Rep.*, 1996, www.icj-cij.org/docket/files/95/7495.pdf.
- 17- McCallion K. F. et al., "Environmental Justice Without Borders: The Need for an International Court of the Environment to Protect Fundamental Environmental Rights", (1999-2000) 32 **George Washington Journal of International Law and Economics** 351.
- 18- McCaffrey S., "Private Remedies for Trans-Frontier Pollution Damage in Canada and the United States: A Comparative Survey", (1981) 19 **U. W. Ont. L. Rev.**, 35.
- 19- Murphy S. D., "Contemporary Practice of the United States Relating to International Law", (1999) 93 **AJIL** 161.
- 20- Murphy S. D., "Does The World Need A New International Environmental Court?" (1999-2000) 32 **George Washington Journal of International Law and Economics** 333.
- 21- Murphy S. D., "Prospective Liability Regimes for the Trans-boundary Movement of Hazardous Wastes", (1994) 88 **AJIL** 38-41.
- 22- Murphy S. D., "The ELSI Case: An Investment Dispute at the International Court of Justice", (1991) 16 **Yale Journal of Int. Law** 439-440.
- 23- Military and Paramilitary Activities, *ICJ Rep.*, 1986, 14, 97.
- 24- M/V Saiga (Saint Vincent v. Guinea), 1997, International Tribunal for the Law of the Sea.
- 25- North Sea Continental Shelf Cases, *ICJ Rep.*, 1969, 3.
- 26- Olsen E., "US and Canada Get \$125 Million Ruling on Europe Beef Ban", **N.Y. Times**, 13 July, 1999.
- 27- Pruzin D., "US, Canada Request WTO Approval To Retaliate against EU Hormone Ban", (1999) 16 **Int. Trade Reports** 974.
- 28- Pruzin D., et al., "US, EU Fail to Resolve Hormone Dispute, But US Will Study Recent Scientific Data", (1999) 16 **Int. Trade Reports** 888.
- 29- Reyes, R. E., Jr. "Nauru v. Australia: The International Fiduciary Duty and the Settlement of Nauru Claims for Rehabilitation of its Phosphate Lands", (1996) 16 **N. Y. Law School Journal of International and Comparative Law** 1.
- 30- Roy Britt Robert, "Global Environmental Court Could Punish U.S. and Others", 1 December 2008, <http://www.livescience.com/environment/081201-environment-court.html>
- 31- Sands PH., "International Cooperation: The Environmental Experience", in **Preserving The Global Environment: The Challenge of Shared Leadership**, Jessica Tuchman Methew, 1991.
- 32- Sands Ph., **The European Court of Justice: An Environmental Tribunal in Protecting The European Environment: Enforcing Environmental Law**, Han Somsened, 1996.
- 33- Southern Pacific Properties (Middle E.) Ltd. v. Arab Republic of Egypt, 3 **ICSID**, World Bank, (1992), <http://icsid.worldbank.org/ICSID/Index.jsp>.
- 34- "Trail Smelter, the Columbia River, and the Extraterritorial Application of CERCLA", http://findarticles.com/p/articles/mi_qa3970/is_200510/ai_n15746168, viewed 5 January 2009 and Kuhn Arthur K., "The Trail Smelter Arbitration--United States and Canada", **The American Journal of International Law**, Vol. 32, No. 4 (Oct., 1938), pp. 785-788.
- 35- UN ESCOR, 46th Sess., at 8, UN Doc. E/CN.4/Sub.2/1994/9 (1994).
- 36- UN Convention, Arts. 73(2), 292, 1833, *UNTS* at 424, 512.
- 37- UN Doc. A/Conf.157/24 (part I) (1993).
- 38- Universal Declaration of Human Rights, 1948.
- 39- UN GA Resolution 59/35 of 2 December 2004.
- 40- Vienna Convention on Consular Relations (Paraguay v. USA), *ICJ Rep.* 1998 and (Germany v. USA), *ICJ Rep.* 1999-2001.
- 41- Vienna Declaration and Programme of Action, Report of World Conference on Human Rights, at 20, 24
- 42- WTO Appellate Body Report: United States Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products, 38 **Int. Legal Materials** 127, 12 October 1998.
- 43- www.austlii.edu.au/au/journals/MelbJIL/2000/8.html
- 44- www.inece.org/conference/7/vol2/20_Wkshop1C.pdf and www.chathamhouse.org.uk/files/3050_riia_environmental_crime_workshop_report.pdf viewed on 5 January 2009.
- 45- www.itlos.org/start2_en.html.

46- www.wto.org/english/tratop_e/envir_e/envt_intro_e.htm

47- [www.pca-cpa.org/upload/files/ENVIRONMENTAL\(3\).pdf](http://www.pca-cpa.org/upload/files/ENVIRONMENTAL(3).pdf) and <http://www.pca-cpa.org/upload/files/ENV%20CONC.pdf>.

48- www.jak.ppke.hu/tanszek/doktori/tananyag/1.pdf